



## و همای و همایون»

دکتر هاشم محمدی

آثار منظوم و منثور خواجه که مجموعه‌ی عظیمی از غرر الفاظ و دُرر معانی است، به خوبی دریافته می‌شود، که او دوست‌دار حرفه‌ی خویش بوده و همه‌ی عمر خود را در این راه نهاده و ... علو سخنش در همه جا، اعم از قصاید و غزل‌ها و مثنوی‌ها و ترکیبات و ترجیعات و مسمطات و مخمس‌ها، قدرت او را در سخنوری نشان می‌دهد، با این حال وی از اقتضای استادان پیشین امتناعی نداشت، چنان‌که در قصاید خویش از سنایی و خاقانی و ظهیر و جمال اصفهانی و دیگر شاعران اواخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم پیروی کرده و همان لحن و سبک آنان را ادامه داده است و در مثنوی‌های خود بر روی هم شیوه‌ی نظامی و مثنوی گویان قرن هفتم را دنبال کرده و در سام‌نامه کوشیده است که به دنبال فردوسی رود و مسلماً به عجز خویش در این امر واقف بوده است. (صفا: ۱۳۶۹: ۹۰۲)

گر از بی‌نوایی نوایی زدم  
به بحر سخن دست و پایسی زدم

سرانجام کردم بدین نامه ختم  
که فردوسیش هست و شهنامه ختم

به نزدیک خورشید او ذره ام  
به دریای گفتار او قطره ام  
کشیدم یکی جوی آبش طراز  
لب جویدان بحر پیوسته باز  
(سام‌نامه: ۱۳۸۶: ۷۳۷)

### سام‌نامه

سام‌نامه منظومه‌ای حماسی و عشقی به بحر متقارب مثنم مقصور یا مخدوف: (فعولن فعولن . فعولن  
فَعَل) که مانند همه‌ی منظومه‌های مشابه آن



تغییر نام‌ها و صحنه‌ها و وقایع مورد بررسی قرار گرفته است.

### واژه‌های کلیدی

خواجوی کرمانی، سام‌نامه - همای و همایون، وجوه افتراق، مشابهت‌ها.

### مقدمه

«خواجوی کرمانی»، (۶۸۹ تا ۷۵۰ هـ ق) از شاعران بزرگ ایران، در سده‌ی هشتم هجری است؛ که علاوه بر غزل گویی و قصیده‌پردازی، به خمسه‌سرایی نیز پرداخته است. مثنوی ششمی نیز بدو منسوب است که «سام‌نامه» نام دارد و در وصف دلآوری‌ها و ماجراهای عاشقانه و دلیرانه‌ی سام نریمان نیای رستم جهان پهلوان است که وجود این مثنویات، در کنار دیوان مفضل وی که به «صنایع‌الکمال» معروف است، بدین شاعر کرمانی چهره‌ای پرکار و مبتکر عرضه می‌دارد و نام وی را در کنار بزرگان شعر فارسی و مثنوی سرایانی بزرگ چون فردوسی و نظامی و سنایی می‌نشانند.  
استاد صفا می‌نویسد که: «با مطالعه در

خواجوی کرمانی، شاعر بزرگ سده‌ی هشتم هجری علاوه بر غزل گویی و قصیده‌پردازی و خمسه‌سرایی، مثنوی‌ای در وصف دلآوری‌ها و ماجراهای عاشقانه و دلیرانه سام نریمان و رستم جهان پهلوان دارد و به نام سام‌نامه معروف است، که بعضی از محققان در انتساب آن به خواجه تردید کرده‌اند. با بررسی منظومه‌ی همای و همایون و سام‌نامه چنین دریافت می‌شود که هر دو منظومه در حقیقت یک داستانند، با ابیاتی همانند و داستانی متحد که فقط در نام برخی از قهرمانان اصلی با هم تفاوت دارند و به نظر می‌رسد، شاعر اول سام‌نامه را ساخته و بعد با حفظ اجزای داستانی و ابیات آن، نام شخصیت‌ها را تغییر داده و در نام برخی از مکان‌ها دگرگونی ایجاد کرده است و داستان‌های فرعی غیر واقعی، چون نبرد با دیوان و پریان و شگفتی‌های بر و بحر را رها کرده و به جای ۱۴۵۰۰ بیت سام‌نامه، همای و همایون را در ۴۴۰۷ بیت، عرصه داشته است. در این نوشتار ساختار هر دو داستان و همانندی‌های موجود در آن‌ها و



دگر سو اسد  
شورانداخته  
درفش فریدون  
برافراخته

دگر سو نظامی ستاده چو کوه  
ز فرسکندر گرفته شکوه

به سوی دگر جامی آراسته  
ز سام نریمان مدد خواسته

به جای دگر هاتفی در فغان  
که این بند را بسته صاحبقران

(بازل : بی تا : ۶)

که استاد صفا مصرع اول بیت ماقبل آخر را چنین دیده‌اند که: «به سوی دگر خواجه آراسته» (صفا : ۳ : ۳۳۱) و به این نتیجه رسیده‌اند که باذل از خواجه یاد کرده است، استاد دکتر رستگار می‌نویسند: از آنجا که جامی مثنوی خاصی درباره‌ی سام ندارد، به احتمال فراوان قرائت استاد صفا درست است. (دکتر رستگار : ۱۳۷ : ۱۴)

نکته دوم در رد انتساب سام‌نامه به خواجه را دکتر رستگار، صفت‌های لفظی و معنوی و ساختاری سام‌نامه می‌داند، که ابیات ناتندرست فراوان و نقایص وزنی و ضعف تألیف‌ها و کاربردهای عوامانه‌ای در سام‌نامه وجود دارد که در آثار دیگر خواجه مشاهده نمی‌شود و برخی از اشکالات در وزن و معنا الفاظ عوامانه را توضیح داده است. (همان ص ۱۵-۱۴)

اما علی‌رغم این نقایص و اشکالات، به دلایل مختلفی انتساب سام‌نامه را به خواجه مسلم می‌داند: نخست این‌که در دو جای سام‌نامه صریحاً ذکری از خواجه شده است:

کسانی که با نیستی خو کنند  
زهستی تبرا چو خواجه کنند

(همان، ص ۱۰۲)

در پایان جلد دوم سام‌نامه:

که خواجه چو عیسی روان بخش باشد  
جهانگیر گردون، جهانبخش باش

(سام‌نامه : ۱۳۶۸ : ۷۳۷)

این تصریحات با توجه به قول استاد صفا که می‌نویسند در این ادوار از وجود شخص دیگری که تخلص خواجه داشته باشد، هیچ اطلاعی نداریم (صفا : ۱۳۶۹ : ۸۸۶) و این ابیات به هیچ وجه الحاقی و اضافی نیست. نشان می‌دهد که خواجه، در ابیات فوق کسی جز خواجهی کرمانی نمی‌تواند بود و مسلماً سام‌نامه نیز متعلق به او است. (همان)

اما مهم‌ترین دلیل در تعلق سام‌نامه به خواجه



او سخن رانده‌اند، از سام‌نامه‌ی او حرفی به میان نیآورده‌اند و در تذکره‌های مهم زبان فارسی و کتب تاریخ ادبیات مانند براون، ریپکا، اشاره‌ای به انتساب سام‌نامه به خواجهی کرمانی دیده نمی‌شود.

نخستین محققی که از خواجه به عنوان سراینده‌ی سام‌نامه، یاد کرده است اشیپگل آلمانی است و در ایران مرحوم سعید نفیسی. (بن‌شاهی، ۱۳۱۹ . مقدمه) و (صفا : ۱۳۶۳ : ۳۳۹)

در بعضی از نسخه‌های حمله‌ی حیدری اثر میرزا محمد رفیع خان باذل (متوفی به سال ۱۱۲۴) ابیاتی وجود دارد که باذل نام عده‌ای از حماسه‌سرایان پیش از خود را یاد می‌کند:

چو در بحر شهنامه کردم گذر  
صدها در آن یافتم پرگهر

رسیدم به فردوسی انجمن  
بدیدم سرراه کرده است بند

ز شهنامه بر دوش گرز گران  
وز آن گشته سرکوب هر همگان

به تقلید از شاهنامه‌ی فردوسی ساخته شده و راجع است، به سرگذشت سام نریمان و عشق‌ها و جنگ‌ها و ماجراهای او.

استاد صفا، سام‌نامه را آخرین داستان منظوم از حماسه‌ی ملی ایران می‌دانند و معتقدند، که این منظومه متعلق به اواخر قرن هفتم و قرن هشتم هجری است و کسانی که آن را متعلق به روزگاری پیش از قرن هفتم می‌پندارند به خطا می‌روند، زیرا که مطالب این داستان، چنان‌که در سام‌نامه دیده می‌شود؛ با عناصر ابداعی تازه‌ای آمیخته شده است که برخی از آن‌ها متعلق به بعد از رواج داستان‌های نظامی است (صفا : ۱۳۶۳ : ۳۳۰). تاریخ تمام آن هم معلوم نیست. شادروان سعید نفیسی حدس زده‌اند که باید پیش از سال ۷۳۲ یا ۷۴۲ هجری سروده شده باشد. (همان)

بعضی از محققان در انتساب سام‌نامه به خواجه تردید کرده‌اند. (صفا : ۱۳۶۳ : ۳۳۹) چون تذکره‌های مهمی چون: مرآه الخیال. مجالس المؤمنین. مجمع الفصحا و تذکره‌الشعرا، علی‌رغم آن‌که از خواجه و احوال



شماره  
۸۰  
و  
۸۱





را دکتر رستگار یکی بودن بیشتر مطالب و داستان‌های سام‌نامه با همای و همایون می‌داند و می‌نویسد که از قرن هشتم تاکنون کسی به این نکته توجه نکرده است که همای و همایون از گردهی سام‌نامه برگرفته شده است و خواجو فقط با تلخیص آن کتاب و تعویض نام بعضی از قهرمانان اصلی و مکان‌های خاص و حذف و اضافاتی متناسب با شیوهی داستان، همای و همایون را به صورت منظومه‌ای عاشقانه و کوتاه‌تر و جمع و جورتر فراهم آورده است. بدون این‌که به طور اساسی در استخوان بندی و طرح کلی داستان عاشقانه‌ی سام و یا ابیات موجود در آن تغییری ایجاد کند (رستگار: ۱۳۷: ۱۶)

از سام‌نامه نسخ متعددی موجود است که هیچ یک کامل نیست. نسخه‌ی چاپی آن (بمبئی ۱۳۱۹ شمسی) تقریباً ۱۴۵۰۰ بیت است که در آن زمان توسط اردشیر خاضع در دو جلد منتشر شده بود و اساس چاپ‌های بعدی بوده. چاپ جدید به تصحیح خانم دکتر میترا مهرآبادی (۱۳۸۶) از روی همین نسخه و شامل همان ۱۴۵۰۰ بیت است. مستشرق فرانسوی ژول مول. مترجم معروف شاهنامه در مقدمه‌ی کتاب خود ذکر می‌کند که سام‌نامه شامل ۱۱۰۰۰ بیت است و نسخه‌های ناقص آن در کتاب‌خانه‌ی ملی پاریس و کتاب‌خانه‌ی دیوان هند در لندن موجود است. خانم دکتر میترا مهرآبادی در



مقدمه تعدادی از نسخه‌های ناقص خطی را که در کتاب‌خانه‌ی بریتانیای لندن و تهران است معرفی کرده‌اند (مهرآبادی: ۱۳۸۶: ۲۲) خواجو در ضمن گزینش داستان همای و همایون، ابیات سست سام‌نامه را حذف کرده، نارسایی‌های آن را بر طرف ساخته و بخش‌های زاید و داستان‌های غیر واقعی چون نبرد با دیوان و پریان و شگفتی‌های بر و بحر را رها کرده و به جای ۱۴۵۰۰ بیت سام‌نامه. همای و همایون را در ۴۴۰۷ بیت که ۹۰٪ آن همان ابیات سام‌نامه است، عرضه داشته است.

### همای و همایون

مثنوی همای و همایون را خواجو در سی ساله‌گی آغاز کرد و از نظر زمان نخستین مثنوی از خمسه‌ی خواجو است. این مثنوی بر وزن اسکندرنامه و شاهنامه‌ی فردوسی و همان وزن سام‌نامه است و داستانی است عشقی به سبک داستان‌های خمسه‌ی نظامی و دارای ۴۴۳۵ بیت. (خواجوی کرمانی: ۱۳۷۰: ۳۴) استاد صفا درباره‌ی همای و همایون نوشته‌اند: «مثنوی عاشقانه‌ی است در داستان عشق همای با همایون دختر فغفور چین به بحر متقارب که خواجو آن را به سال ۷۳۲ هجری در ۴۴۰۷ بیت به اتمام رسانید، همای و همایون در چند سال از مسافرت خواجو و خاصه در مدت اقامت وی در بغداد سروده شد و خواجو به تصور آن‌که هنگام ورود به آذربایجان آن را به ابوسعید بهادرخان تقدیم دارد، در آغاز آن

منظومه، ایلخان و وزیر او غیاث الدین محمد را مدح گفت و چون در ورود خود به اردوی ایلخان با مرگ ابوسعید بهادرخان و ایلخانی اریخان، مواجه شد، به تشویق خواجه تاج الدین احمد آن را به نام شمس الدین صاین و پسرش عبدالملک رکن الدین کرد (صفا: ۱۳۶۹: ۸۹۸) استاد ذبیح الله صفا در مقدمه‌ی کتاب ورقه و گلشاه، یادآوری کرده بودند که چند بیت اول کتاب تازه به نظر می‌رسد و به خطی غیر از نسخه‌ی اصلی و جدیدتر از آن نوشته شده و بر کتاب افزوده شده است. (صفا: ۱۳۴۳: ۵). حدس استاد صفا کاملاً به جا و مناسب بوده است. این ابیات با جابه‌جایی در مقدمه‌ی منظومه‌ی همای و همایون خواجوی کرمانی، دیده می‌شود و ترتیب ابیات به شرح زیر است بیت اول تا پنجم به ترتیب همان مقدمه‌ی همای و همایون است. بیت ۶ (در بیت ۶۱) همای و همایون و بیت ۷ (بیت ۶۲)، بیت ۸ (بیت ۶۴)، بیت ۹ (بیت ۶۵)، بیت ۱۰ (بیت ۶۷) و بیت ۱۱ (بیت ۶۳)، بیت ۱۲ (بیت ۱۳۳)، بیت ۱۳ (بیت ۱۳۴) بیت ۱۴ (بیت ۱۳۵) بیت ۱۵ (بیت ۱۳۶) و بیت ۱۶ (بیت ۱۶۳)، ۱۶ بیت اول مقدمه با جابه‌جایی تکرار شده و معلوم نیست دستبرد کاتبان بوده و یا عوامل دیگری در آن دخالت داشته است. (خواجوی کرمانی: ۱۳۷۰: ۲۶۱)

### خلاصه‌ی داستان سام‌نامه

سام نریمان از بطن دختر بلخ متولد می‌شود

خان، سام را یاری داده تا به جنگ فغفور برود. سهیل جهانسوز پدر قمرخ سام

نریمان را می‌بیند و با هم به نبرد می‌پردازند و سهیل جانسوز کشته می‌شود. سام به دست عالم افروز پری گرفتار شده و قلواد و قلووش به طلب او می‌روند و او را یاری می‌رسانند و عالم افروز سرانجام به دست سام کشته می‌شود. از آن طرف پادشاه چین پری دخت پریان، پری دخت را از سردابه بیرون می‌آورد. اما هر دو به دست ابرها دیو گرفتار می‌شوند و این‌جا است که نامه‌ای از منوچهر شاه به نزد سام می‌رسد (جلد اول سام‌نامه در این‌جا به پایان می‌رسد).

\* \* \*

آغاز جلد دوم هم نبردهای مختلف سام است: جنگ با دیوانه شاه‌پور (دیو). رفتن به سقلاب و جادویی کردن عاق جادو سام را و در طلسم‌انداختن. مکر نمودن قهرمان، پادشاه سقلاب با سام و آمدن فرهنگ و آگاه کردن سام را. سام قمرتاش را به جای قهرمان در سقلاب می‌نشانند و خود به مغرب می‌رود. در راه با دیو ره دار می‌جنگد و در شهر سگسار با سگساریان نبرد نموده و پادشاه آنان به نام کلاب را از بین می‌برد و بعد به شهر نیمه تنان می‌رسد. تنیل جادو در این‌جا سام را کور می‌کند که به دست شمشه خاوری کشته می‌شود و سام نجات پیدا می‌کند و نیم تنان را می‌کشد و به جانب شداد عاد می‌رود. شداد خبردار می‌شود و زرینه بال دیو را به جنگ سام می‌فرستد ولی او به دست سام کشته می‌شود. شدید شاه روم پسر شداد به جنگ سام می‌آید. سام با آنان به نبرد می‌پردازد. طلاج دیو را می‌کشد و با تسلیم شاه‌یمن و رحمان جنی و مرغ آتش‌فشان و ارقم دیو هم جنگ می‌کند و آن‌ها را می‌کشد شدید نامه‌ای به نزد عوج بن عنق، پادشاه مغرب زمین می‌نویسد و عوج را به نبرد سام فرا می‌خواند. پادشاه طنجه به یاری سام می‌آید و سام با عوج بن عنق و قهقهام دیو می‌جنگد و آنان را از بین می‌برد و قلواد را که گرفتار شده بود، آزاد می‌کند. خاتوره، مادر عوج به یاری شدید می‌آید اما به دست سام کشته می‌شود. در ادامه هم جنگ اهرن دیو با سام و کشته شدن اهرن، جنگ خرطوس از فرماندهان سپاه شداد با سام آمده است.

سام با قلواد به کوه فنا می‌روند و از آن‌جا به دشتی می‌رسند که به شهر زنان معروف است و پادشاه آنان حورا، نام دارد. حورا سام را میهمانی می‌کند و بعد سام به پای همان کوه می‌رود و با ابرها دیو که در بالای کوه

نزد او می‌آید و پادشاه چین از این ملاقات با خبر شده و سام را در بند گرفتار می‌کند. قمر رخ دختر سهیل قلعه دار به بندخانه می‌رود و سام را آزاد می‌کند. سام دوباره به پای قصر پری دخت می‌رود و با هم مناظره می‌کنند و سام از ناراحتی سر به کوه و بیابان می‌گذارد و با وحوش مأنوس می‌شود. پری دخت ناراحت شده و به دنبال او می‌رود و حتا با او به مصاف می‌پردازد.

پادشاه از رها شدن سام از بند و کار پری دخت آگاه می‌شود و به دنبال سام می‌رود و با او به جنگ می‌پردازد و قلواد و قلووش به یاری سام می‌آیند و سام راهی پیدا می‌کند. در این میان جنگ‌هایی روی می‌دهد جنگ سوار خاوری و فرستو و و کشته شدن فرستو به دست قلواد. هم‌چنین مرگ طغان‌شاه فرزند پادشاه چین و کشته شدن طغرل تکش به دست سام نریمان و شبیخون زدن فرینوش و فرشاد، سالاران فغفور چین با دیوزاده فرهنگ که طغان‌شاه را کشته بود و هم‌چنین دومین نبرد سام با فغفور چین که قلواد و قلووش بار دیگر به یاری سام می‌آیند و دوباره سام رها می‌شود.

برای رسیدن دوباره سام به دربار فغفور چین با نهنکال دیو به جنگ می‌رود و با دیوان دیگری به نام فرعین دیو، فرهنگ دیوزاده، به نبرد برمی‌خیزد. تکش خان (پادشاه تاشکن) (تاشکند) با سام نریمان ابتدا به جنگ می‌پردازد و بعد با هم متحد می‌شوند و تکش

و پس از بزرگ شدن روزی به شکار می‌رود و پری‌ای را در شکل گور می‌بیند که عالم افروز نام دارد. سام به‌ایوان او می‌رود و صورت پری دخت دختر فغفورچین را می‌بیند و دل‌داده او می‌شود و از حرمان او بی‌تابی می‌کند تا فردای آن روز که آفتاب بر می‌آید و لشکر سام پیش او می‌آید و سام با آنان سخن می‌گوید. هم‌زاد او به نام قلواد که از یک دایه شیر خورده بودند به همراه او به راه می‌افتد و به طرف چین می‌روند. در راه در کنار دریایی با ۴۰ دیو زنگی برخورد می‌کنند که یکی از آنان آدمخوارهای بوده به نام سمندان. قلواد گرفتار و اسیر زنگیان می‌شود. سام، سمندان را می‌کشد و قلواد را رها می‌سازد. در راه رسیدن به خاور زمین ازدهایی را می‌کشد و مدتی در خاور زمین به پادشاهی می‌نشیند. سام پری دخت را در عالم خواب می‌بیند و بی‌تابی می‌کند. روزی به شکار می‌رود و قلووش پسر عموی نریمان را می‌بیند و در آن‌جا ژندجادو دیو و برادر او به نام مکوکال دیو را از بین می‌برد از طرفی پری‌نوش خواهر پری دخت که قبلاً سام را دیده بود، به هم می‌رسند و پری‌نوش از سام تعریف می‌کند. سام به درگاه فغفور چین می‌آید و پری دخت را می‌بیند و از هوش می‌رود و با شمع راز و نیاز می‌کند فغفور چین از روی مکر و حیله با سام به شکار می‌رود و سام به باغی می‌رسد و در آن‌جا برای پری دخت غزل سرایی می‌کند. پری دخت به

## چنان‌چه تاریخ به تعبیر برخی از منتقدان

نادیده گرفته شود و یا پدیده‌ای باشد

مربوط به درگذشته‌گان، بی‌گمان تاریخ

طبیعت، تاریخ هنر، تاریخ معماری، تاریخ

شهرسازی، جغرافیای تاریخی، تاریخ شعر،

تاریخ موسیقی، تاریخ فلسفه، تاریخ دین

و... هر عنصر مستقل تاریخی باید فراموش

شده و بی‌هوده پنداشته شود. این یعنی

زیستن در کوری و تاریکی



شماره  
۸۰  
و  
۸۱



بوده و سایر دیوان به نبرد می‌پردازد. ابرها دیو را گرفتار می‌کند و نامه‌ای به فغفور چین می‌نویسد و به چین می‌رود و با فغفور به نبرد می‌پردازد و خود بر تخت فغفور می‌نشیند و با پری دخت ازدواج می‌نماید و چندین روز مجلس و محفلی می‌آریند و شادی و خوشحالی می‌کنند و بعد قمرتاش را به جای خود بر تخت می‌نشانند و خود به طرف خاور زمین و ایران می‌آید و قلوش را هم در خاور زمین بر تخت می‌نشانند و خودش به ایران آمده و منوچهر شاه به استقبال او می‌آید و به خوشی و خرمی روزگار می‌گذرانند.

## خلاصه‌ی داستان همایون و همایون

منوشنگ قرطاس پادشاه شام فرزندی به نام همای خداوند به او می‌دهد و او را بر اسبی به نام غراب می‌نشانند و روانه نخجیر می‌کند. همای به باغ پریان می‌رسد و صورت همایون را می‌بیند و عاشق می‌شود. لشکریان او می‌رسند و او پیغام به پدر و مادر می‌رساند و با همزاد خود بهزاد به طلب همایون می‌رود. در راه به ۴۰ زنگی آدمی خوار برخورد می‌کنند که سمندون زنگی آدم‌خوار هم پادشاه آنان است. همای و بهزاد از دست زنگیان رها شده و به خاور می‌رسند که پادشاهی به نام شاوران آن‌جا بوده است. شاهزاده همای در خاور زمین مدتی به پادشاهی می‌نشیند و بر یاد همایون عشق می‌بازد و بزمی می‌آرید و شب مهتاب بر یاد همایون شراب می‌نوشد. بهزاد به بلخ می‌رود و عاشق آذرافروز شمع توران زمین می‌شود از آن طرف در نخجیرگاه شهره (فرشته)، ابن عم منوشنگ هم به نزد شاهزاده همای می‌آید و برشمه‌ی خاوری، دختر ملک شاوران شاه چین عاشق می‌شود. شاهزاده همای در راه رفتن به چین به سعدان بازرگان تاجر دختر فغفور چین برخورد می‌کند و خود را قیس قیسان بازرگان معرفی می‌نماید. و از آن‌جا به زرینه دز می‌رود و زند جادو را می‌کشد و پری زاد دختر خاقان چین را که قبلاً گرفتار شده بود آزاد می‌کند. همای به درگاه فغفور چین می‌رود و همایون را می‌بیند و به او دل می‌بندد و راز خود را با شمع در میان می‌گذارد و زاری می‌کند. فغفور با شاهزاده به نخجیر می‌رود ولی با مکر و حیله او را در بند می‌کند. سمن رخ دختر سهیل جهانسوز شاهزاده همای را خلاصی می‌دهد و همای به پای

قصر همایون می‌آید مناظره می‌کنند و به نبرد می‌پردازند. فخرشاه و بهزاد با لشکر خاور به شاهزاده می‌رسند. فغفور چین همایون را در زیر زمین نهان می‌کند و آوازه می‌افکند که مرده است و به طریق مکر و زاری دیگران را فریب می‌دهد. فرینوش هم بر پری زاد عاشق شده و راز آنان آشکار می‌شود و به نزد شاهزاده همای می‌آیند. شاهزاده همای با فغفور چین جنگ می‌کند و فغفور به دست همای کشته می‌شود.

همای بر تخت پادشاهی می‌نشیند و فرینوش فرزند و زیر روشن ضمیر خاقان شفیع پدر شده و شاهزاده همای او را عفو می‌کند و بزمی می‌آرید و همایون را به عقد خود در می‌آورد. پس از آن مملکت فغفور و پری زاد خاقان را به فرینوش می‌دهد و او را ولیعهد خود می‌کند و بعد به خاور زمین می‌رود و شمشه‌ی خاوری و آذر افروز را با فخرشاه و بهزاد به عقد و ازدواج یک‌دیگر در می‌آورد و به شام می‌آید و به پادشاهی می‌نشیند و پس از مدتی از دنیا می‌رود و مملکت را به جهانگیر فرزند خود واگذار می‌کند.

## مقایسه‌ی داستان سام‌نامه و همای

### و همایون

با بررسی جدول مقایسه‌ای که در پایان این مطلب آمده است، چنین دریافت می‌شود که: این دو منظومه یک داستانند. فقط در نام برخی از قهرمانان اصلی با هم تفاوت دارند، خواجو نام سام را به همای و نام معشوق سام پری دخت را به همایون، ویس ویسان را به قیس قیسان، قمررخ را به سمن رخ، گنجینه دژ را به زرینه دژ و ... تغییر داده و در نام برخی از مکان‌ها دگرگونی ایجاد کرده و با افزودن مقدمات و مؤخرات و حذف بخش‌هایی از سام‌نامه: مانند داستان‌های فرعی و جنگ با دیوان شگفتی‌های بر و بحر و اعمال محیر العقولی مانند احوال سام با عاق جادو، رفتن به مغرب و جنگ با نیمه تنان و شداد و باریدن باران به دوزخ شداد و بهشت شداد و ... حدود ده هزار بیت از سام‌نامه را حذف نموده و کوشش او بر این بوده است که داستانی عاشقانه و غیر حماسی عرضه بدارد. که دارای انسجام لفظی و معنوی باشد و با داستان‌های غنایی قبل از خود همانند نظامی و پیرانش قابل مقایسه باشد که این تأثیرپذیری در مواردی بسیار آشکار است: مناظرات سام و پری‌دخت مأخوذ از خسرو و شیرین نظامی، سرنهادن سام به کوه و بیابان و مأنوس شدن

با وحوش مأخوذ از داستان لیلی و مجنون. پنهان کردن پری‌دخت توسط پادشاه و اعلام آوازه‌ی مرگ او همانند: پنهان نمودن گلشاه معشوقه‌ی ورقه به‌وسیله‌ی پدر و با اعلام این‌که گلشاه مرده است. گوسفندی را کشته، آن را در کفن پیچیده و به خاک سپرد و ورقه هم گمان کرد، قبر گلشاه است. (محمدی = ۱۳۸۴ = ۳۳)

## نتیجه گیری

سام‌نامه و همای و همایون در واقع یک کتابند با دو نام و از یک شاعر. خواجو ابتدا سام‌نامه را به عنوان داستانی حماسی و در اوج دوران جوانی در ۱۴۵۰۰ بیت سروده و پس از آن با توجه به اهمیت و ارزش داستان‌های غنایی و غروب عصر حماسه‌ها، با حفظ کلیت داستان و جانشین کردن نام‌های تازه به جای برخی از نام‌های کهن در سام‌نامه و حذف ابیات سست و ناقص و داستان‌های غیرواقعی و فرعی بر حسب ضرورت و اقتضای ذوق سلیم، صورتی دل‌پذیر از داستان را با نام همای و همایون نزدیک به ۴۵۰۰ بیت عرضه داشته است و از یک مثنوی طولانی و خسته‌کننده و کم احساس، اثری جالب و پرجاذبه به دست داده است و این هنر اعجاب‌انگیز شاعر است که چه‌گونه از یک مثنوی بلند اجزا و نام‌هایی را حذف کرده، بدون این‌که در ترکیب قوافی و معانی خللی وارد شود و چه‌گونه مهارت شاعری می‌تواند اثری را ویراسته دارد.

## منابع و مأخذ

۱. باذل، میرزا محمد رفیع. ابن محمد المشهدی. حمله حیدری، بی‌جا، بی‌تا
۲. خواجوی کرمانی، خمسه، به تصحیح سعید (نیاز کرمانی) ۱۳۷۰، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان
۳. خواجوی کرمانی - سام‌نامه، تصحیح اردشیر بن شاهی آذر (۱۳۱۹). ج ۱ و ۲ - بمبئی
۴. خواجوی کرمانی، سام‌نامه، تصحیح دکتر میترا مهرآبادی (۱۳۸۶) دنیای کتاب، تهران
۵. رستگار، دکتر منصور، برگزیده‌ی سام‌نامه، اثر ابوالعطا کمال الدین محمود (خواجوی کرمانی) (۱۳۷۰) انتشارات نوید، شیراز
۶. صفا، دکتر ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران ج ۳/۲ (۱۳۶۹). انتشارات فردوس - تهران
۷. صفا، دکتر ذبیح الله. حماسه سرایی در ایران. (۱۳۶۳). انتشارات امیرکبیر، تهران
۸. عیوقی - ورقه و گلشاه. مقدمه. تصحیح و تحشیه دکتر هاشم محمدی. (۱۳۸۴) انتشارات فریاد کویر. نورآباد



## جدول مقایسه‌ی سام‌نامه و داستان همای و همایون

ردیف	سام نامه	ردیف	همای و همایون
۱	متولد شدن سام نریمان از بطن دختر پادشاه بلخ	۱	متولد شدن همای فرزند منوشنگ قرطاس پادشاه شام
۲	منوچهر پادشاه اسبی به نام غراب به سام می دهد جهت رفتن به شکار	۲	منوشنگ اسبی به نام غراب به همای می دهد و او را روانه‌ی نخجیر می‌کند
۳	رفتن سام به شکارگاه و دیدن پری در هیئت گورخر با نام عالم افروز و دیدن صورت و نقش پریدخت دختر فغفور چین و عاشق شدن بر او	۳	رفتن شاهزاده همای به شکارگاه و دیدن باغ پربان و نظاره کردن صورت همایون و عاشق شدن بر او
۴	عزم رفتن به چین همراه همزاد خود به نام قلواد	۴	عزم رفتن به چین همراه همزاد خود به نام بهزاد
۵	بر خورد با ۴۰ زنگی آدمیخوار و کشتن رهبر آنها به نام سمدان زنگی	۵	بر خورد با ۴۰ زنگی آدمیخوار و کشتن دیو بزرگ به نام سمدون زنگی
۶	گرفتار شدن قلواد به دست زنگیان و رهایی او توسط سام و رفتن به چین	۶	گرفتاری بهزاد به دست زنگیان و رهایی او به دست همای و رفتن به چین
۷	بر خورد با گوهر فروشی به نام سعدان تاجر دختر پادشاه چین و معرفی خود با نام قیسی قیسان به گوهر فروش	۷	بر خورد با بازرگان سعدان نام و معرفی خود با نام ویس ویسان به بازرگان
۸	رفتن به خاور زمین نزد ملک ضیمران پادشاه آنجا	۸	رفتن به خاور زمین نزد ملک شاوران پادشاه آنجا
۹	عاشق شدن قلواد بر مهرافروز دختر شاه ضیمران	۹	عاشق شدن بهزاد بر آذرافروز دختر پادشاه شاوران
۱۰	آمدن قلووش پسر عمومی نریمان نزد آنها و عاشق شدن بر شمسه خاوری دختر ملک ضیمران	۱۰	آمدن فهرشاه ( فهرشه - فرشته - فرسته ) ابن عم منوشنگ نزد آنها و عاشق شدن بر شمسه خاوری دختر ملک شاوران
۱۱	رفتن سام به نزد فغفور چین و گرفتار شدن او	۱۱	رفتن همای به بارگاه پادشاه چین و گرفتاری او
۱۲	خلاصی یافتن سام توسط قمررخ دختر سهیل جهانسوز قلعه دار	۱۲	خلاصی یافتن همای توسط سمن رخ دختر سهیل جهانسوز قلعه دار
۱۳	کشتن اژدها و زندجادو ( دیو ) و برادر او به نام مکوکال دیو در گنجینه دژ	۱۳	کشته شدن زند جادو دیو در زربینه دژ
۱۴	همکاری و همیاری قلواد و قلووش در جنگها با سام	۱۴	همکاری و همیاری فهرشاه و بهزاد در جنگها با همای
۱۵	دیدن پری نوش خواهر پریدخت را در راه آمدن به چین	۱۵	دیدن پریزاد دختر پادشاه و خواهر همایون در راه آمدن به چین
۱۶	گرفتاری سام در چین توسط فغفور پادشاه و مکر وحیله پادشاه با او	۱۶	گرفتاری همای در درگاه فغفور چین و مکر و حیله پادشاه با او
۱۷	ناراحتی سام و سر به کوه و بیابان گذاشتن با وحوش مأنوس شدن	۱۷	حذف در همای و همایون
۱۸	گرفتاری دوباره سام و رهایی او توسط قلواد و قلووش و جنگ فرستادگان فغفور با سام	۱۸	حذف در همای و همایون
۱۹	کشته شدن سوار خاوری به دست فرستو ( فهرشه ) و کشته شدن فرستو به دست قلواد	۱۹	حذف در همای و همایون
۲۰	مرگ طغانشاه فرزند پادشاه چین و کشته شدن طغرل تکش از فرماندهان سپاه فغفور به دست سام	۲۰	حذف در همای و همایون



شماره  
۸۰  
و  
۸۱



حذف در همای و همایون	۲۱	شبیخون زدن فرینوش و فرشاد سالاران فغفور چین و دومین نبرد سخت سام با پادشاه چین و پیروز شدن و رهایی یافتن	۲۱
حذف در همای و همایون	۲۲	نبرد سام یا نهنکال دیو و دیوان دیگر به نام فرعین دیو - فرهنگ دیو زاده	۲۲
حذف در همای و همایون	۲۳	کشته شدن سهیل جهانسوز به دست سام - گرفتاری سام توسط عالم افروز پری و رهایی یافتن او با کمک قلواد و قلووش و کشته شدن عالم افروز	۲۳
حذف در همای و همایون	۲۴	پنهان کردن پریدخت توسط پادشاه در سردابه و اعلام آوازه ی مرگ او به دروغ و افشای خبر به وسیله رضوان دخترشاه پریان به سام	۲۴
حذف در همای و همایون	۲۵	نبردهای دوباره سام با دیوان : ابرها دیو - دیوانه شاه پور - دیو ره دار - تنبل جادو سگساریان - زرینه بال دیو - طلّاج دیو - رحمان جنی - ارقم دیو - قهقهام دیو	۲۵
حذف در همای و همایون	۲۶	رفتن به سقلاب و جادو شدن توسط عاق جادو و در طلسم فرو رفتن و سرانجام رهایی یافتن	۲۶
جنگ کردن شاهزاده همای با پادشاه چین و کشته شدن پادشاه و بر تخت نشستن همای	۲۷	رفتن به چین و نبرد با فغفور چین و کشتن او و بر تخت نشستن	۲۷
ازدواج همای و همایون و واگذاری مملکت به فرینوش فرزند وزیر خاقان و آمدن به شام و بر تخت نشستن و پس از مدتی مملکت را به جهانگیر فرزند خود واگذار نمودن و زندگی در کمال خوشی و خرمی	۲۸	ازدواج با پریدخت و نشانیدن قلووش به جای خود بر تخت و به ایران آمدن و مورد استقبال منوچهر شاه قرار گرفتن و به خوشی و خرمی روزگار گذرانیدن	۲۸



شماره  
۸۰  
و  
۸۱

## فرم اشتراک مجله‌ی فردوسی

نام خانوادگی ..... نام پدر ..... تعداد اشتراک .....

نوع پرداخت: (  نقدی  بانکی )

نشانی کامل پستی و تلفن متقاضی: .....

مایلید از کدام شماره برایتان ارسال گردد: .....

ایران / تک شماره : ۱۵۰۰ تومان - یک ساله: ۱۸۰۰۰ تومان  
با هزینه‌ی پستی: ۳۵۰۰۰ تومان

اروپا و آمریکا و سایر کشورها / تک شماره:  
۶ دلار - با هزینه‌ی پستی: ۱۲ دلار

سپاس‌گزار خواهیم شد چنان‌چه:  
وجه مورد نظر را به حساب زیر واریز و اصل رسید را به  
نشانی پستی مجله: صندوق پستی ۱۸۸۶-۱۴۱۵۵  
ارسال و یا به شماره‌ی اعلام شده فکس فرمایید.

تهران - بانک ملت - سعادت آباد - میدان  
کاج کد ۶۵۵۴ - حساب جام ۷۰۸۱۶۰۱۵۱۵  
نام صاحب حساب: مجله‌ی فردوسی

پیام گیر شبانه‌روزی: ۲۲۷۶۶۴۴۷

تلفن: ۲۲۰۶۰۴۴۵ - ۲۲۰۶۰۴۴۸

